



طراحی الگوی عوامل تأثیرگذار بر نهاده‌سازی مشارکت اجتماعی در مدارس

حسین عبدلی^{۱*}

۱. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: abdoli88.hossein@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی الگویی از عوامل مؤثر بر نهاده‌سازی مشارکت اجتماعی در مدارس شهری با رویکرد کیفی است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۹ نفر از مدیران، معلمان، کارشناسان آموزشی و اولیای فعال در مدارس شهر تهران بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته گردآوری و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار NVivo انجام شد. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل: زیرساخت‌های نهادی مدرسه (رهبری مشارکت‌محور، ساختار تصمیم‌گیری شفاف، توزیع اختیارات)، سرمایه اجتماعی مدرسه (اعتماد متقابل، انسجام هویتی، شبکه‌های ارتباطی مؤثر) و فرهنگ مشارکت در مدرسه (تربیت مشارکت‌پذیر، الگوسازی رفتاری، ارزش‌گذاری مشارکت) شد. این عوامل در قالب یک مدل مفهومی، نحوه تعامل و اثرگذاری متقابل در فرایند نهاده‌سازی مشارکت اجتماعی را تبیین کردند. نتایج نشان می‌دهند که نهاده‌سازی مشارکت اجتماعی در مدارس یک فرایند چندبعدی است که نیازمند توجه همزمان به ابعاد ساختاری، فرهنگی و اجتماعی مدرسه است. مدل ارائه‌شده می‌تواند در طراحی سیاست‌های آموزشی و ارتقاء سرمایه اجتماعی مدارس مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: مشارکت اجتماعی، نهاده‌سازی، مدرسه، نظریه داده‌بنیاد، سرمایه اجتماعی، رهبری مشارکت‌محور

تاریخ ارسال: ۲ مرداد ۱۴۰۳

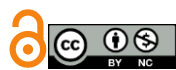
تاریخ بازنگری: ۶ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۲ مهر ۱۴۰۳



How to cite: Abdoli, H. (2024). Designing a Model of Influential Factors in Institutionalizing Social Participation in Schools. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(2), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Designing a Model of Influential Factors in Institutionalizing Social Participation in Schools

Hossein Abdoli^{1*}

1. Department of Educational Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: abdoli88.hossein@gmail.com

Abstract

This study aims to design a model of the factors influencing the institutionalization of social participation in urban schools using a qualitative approach. The research employed a qualitative methodology based on grounded theory. Nineteen participants, including school principals, teachers, educational experts, and active parents from Tehran schools, were selected through purposive sampling. Data were collected via semi-structured interviews and continued until theoretical saturation was achieved. Data analysis followed open, axial, and selective coding using NVivo software. The analysis revealed three core categories: Institutional Infrastructure of the School (participatory leadership, transparent decision-making, distribution of authority), School Social Capital (mutual trust, identity cohesion, effective communication networks), and Participatory Culture in Schools (participatory upbringing, behavioral modeling, valuing participation). These categories formed a conceptual model explaining the interaction of various factors in institutionalizing social participation. The results indicate that institutionalizing social participation in schools is a multidimensional process requiring simultaneous attention to structural, cultural, and social aspects. The proposed model provides a practical framework for educational policy design and enhancing social capital in schools.

Keywords: *Social participation, institutionalization, school, grounded theory, social capital, participatory leadership*

Submit Date: 23 July 2024

Revise Date: 27 August 2024

Accept Date: 20 September 2024

Publish Date: 3 October 2024

مدرسه به عنوان یکی از اصلی ترین نهادهای اجتماعی و تربیتی در هر جامعه، نقشی اساسی در پرورش سرمایه های انسانی و اجتماعی ایفا می کند. فراتر از نقش آموزشی صرف، مدرسه می تواند زمینه ساز رشد ظرفیت های اجتماعی، تقویت همبستگی و ایجاد مشارکت فعالانه در میان نسل جوان باشد. از این رو، مشارکت اجتماعی در مدرسه، نه تنها یک رویکرد تربیتی مطلوب بلکه ضرورتی اجتناب ناپذیر برای توسعه پایدار فرهنگی و اجتماعی است. نهادهای سازی مشارکت اجتماعی در مدرسه، فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که مستلزم شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر آن می باشد.

در دهه های اخیر، پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت بر اهمیت توسعه مشارکت اجتماعی در مدارس تأکید داشته اند. مشارکت اجتماعی، به معنای دخالت آگاهانه، داوطلبانه و مسئولانه اعضای جامعه مدرسه در امور مختلف آن است که می تواند در قالب تصمیم گیری های آموزشی، فعالیت های فرهنگی، برنامه ریزی مشارکتی و یا امور اجرایی نمود پیدا کند (Henderson & Mapp, 2002). چنین مشارکتی، به ایجاد حس تعلق، افزایش مسئولیت پذیری، ارتقاء سرمایه اجتماعی و تقویت هویت جمعی در میان دانش آموزان، معلمان، والدین و سایر ذی نفعان مدرسه منجر می شود (Putnam, 2000).

نهادهای سازی مشارکت اجتماعی، زمانی محقق می شود که مشارکت از یک امر مقطعی و نمادین فراتر رفته و به بخشی از ساختار و فرهنگ مدرسه تبدیل شود. این امر مستلزم وجود بسترهای ساختاری، فرهنگی، مدیریتی و اجتماعی است که امکان شکل گیری و تداوم رفتارهای مشارکتی را فراهم آورند (Epstein, 2011). بر این اساس، عوامل متعددی همچون سبک رهبری مدیران، ساختار تصمیم گیری، روابط بین فردی، سیاست های مدرسه، ارزش ها و هنجارهای فرهنگی، سطح سرمایه اجتماعی و ظرفیت تعاملات میان ذی نفعان در نهادهای سازی مشارکت نقش دارند (Auerbach, 2009).

مطالعات بین المللی نشان می دهند که در کشورهایی که مشارکت اجتماعی در مدارس به صورت نهادی و سیستماتیک دنبال شده، نتایجی چون بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان، کاهش رفتارهای پرخطر، افزایش رضایت معلمان، ارتقاء کیفیت آموزش و تقویت همبستگی اجتماعی حاصل شده است (Bryk et al., 2010). به ویژه در جوامعی که با چالش هایی نظیر فاصله بین مدرسه و خانواده، بی اعتمادی نهادی و مشارکت حداقلی والدین مواجه اند، پرداختن به عوامل مؤثر بر نهادهای سازی مشارکت امری ضروری است.

در ایران نیز با وجود تأکیدهای سیاست گذاران بر افزایش مشارکت مردم در امور آموزشی، به ویژه از طریق شوراهای آموزش و پرورش و انجمن اولیا و مربیان، شواهد نشان می دهد که مشارکت اجتماعی در مدارس هنوز به یک فرهنگ نهادهای سازی تبدیل نشده است. بسیاری از برنامه های مشارکتی، محدود به فعالیت های سطحی، غیرمستمر و غیرنهادهای هستند و ظرفیت های اجتماعی مدرسه به درستی فعال نشده اند (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۹۳). همچنین، فاصله بین مدیران و والدین، ضعف در سیاست گذاری مشارکتی، ساختار متمرکز تصمیم گیری، و نبود الگوهای مشخص برای رفتار مشارکتی از جمله موانعی هستند که در مسیر نهادهای سازی مشارکت قرار دارند (موسوی، ۱۳۹۷).

از منظر نظری، مفهوم مشارکت اجتماعی در مدرسه را می توان در چارچوب نظریه سرمایه اجتماعی تبیین کرد. این نظریه بر اهمیت شبکه های اجتماعی، اعتماد و هنجارهای متقابل در تسهیل کنش های جمعی تأکید دارد (Coleman, 1988). هنگامی که مشارکت در محیط مدرسه تقویت شود، سرمایه اجتماعی میان اعضا افزایش یافته و قابلیت تعامل مؤثر در حل مسائل تربیتی ارتقا می یابد. از سوی دیگر، نظریه توانمندسازی اجتماعی نیز تأکید دارد که نهادهایی نظیر مدرسه باید زمینه های مشارکت فعالانه و مؤثر را برای گروه های مختلف فراهم آورند تا احساس اثرگذاری و تعلق شکل گیرد (Zimmerman, 2000).

پژوهش های کیفی داخلی معدودی به واکاوی ابعاد مشارکت اجتماعی در مدرسه پرداخته اند. در یکی از این مطالعات، دلایل ضعف مشارکت اولیا در فرآیندهای آموزشی، شامل ضعف ارتباطات دوطرفه، عدم شفافیت سیاست ها، و نبود سازوکارهای انگیزشی عنوان شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهش دیگری، فرهنگ مشارکتی مدرسه به عنوان یکی از عوامل تقویت کننده حس هویت اجتماعی در دانش آموزان

مطرح شده است (شفیعی، ۱۴۰۰). با این حال، هنوز در فضای علمی کشور، الگویی منسجم از عوامل مؤثر بر نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی در مدرسه طراحی و تدوین نشده است.

از این‌رو، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای، در پی شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی در مدارس شهری ایران است. این پژوهش تلاش دارد تا با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با افراد مطلع، به طراحی یک مدل مفهومی بومی بپردازد که بتواند در سیاست‌گذاری و بهبود عملکرد مدیریتی مدارس کاربرد داشته باشد. تمرکز بر دیدگاه‌های مدیران، معلمان، والدین و متخصصان آموزشی، امکان ارائه تصویری جامع و چندبعدی از شرایط و الزامات نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، نتایج این پژوهش می‌تواند به تدوین سیاست‌هایی در جهت ارتقای عدالت آموزشی، بهبود ارتباطات مدرسه با جامعه و افزایش سرمایه اجتماعی در محیط‌های تربیتی منجر شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد داده‌بنیاد (Grounded Theory) انجام شده است. هدف از این مطالعه، طراحی الگویی از عوامل مؤثر بر نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی در مدارس بوده است. از آنجا که پژوهش‌های کیفی بیشتر در راستای فهم عمیق پدیده‌ها در بسترهای واقعی شکل می‌گیرند، این روش مناسب‌ترین رویکرد برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق در نظر گرفته شد. مطالعه حاضر با استفاده از طرح پژوهش کیفی اکتشافی انجام شده و جامعه آماری پژوهش را کارشناسان آموزش و پرورش، مدیران مدارس، معلمان با سابقه و صاحب‌نظران حوزه مشارکت اجتماعی در تهران تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند (Purposeful Sampling) انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری زمانی حاصل شد که اطلاعات جدیدی از مصاحبه‌ها به دست نیامد. در نهایت، ۱۹ مشارکت‌کننده در این تحقیق شرکت کردند.

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. سؤالات مصاحبه بر مبنای پیشینه نظری پژوهش طراحی شده و به‌گونه‌ای تنظیم گردید که پاسخ‌دهندگان بتوانند آزادانه دیدگاه‌ها، تجربیات و تحلیل‌های خود را درباره ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی در مدارس بیان کنند. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۵ دقیقه به طول انجامید و با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس پیاده‌سازی شد. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی NVivo مورد تحلیل قرار گرفتند. تحلیل به شیوه کدگذاری سه‌مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در مرحله اول، مفاهیم اولیه از داده‌ها استخراج شد. در مرحله دوم، مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های محوری طبقه‌بندی گردید و در نهایت، با شناسایی رابطه میان مقوله‌ها، مدل مفهومی نهایی طراحی شد. همچنین، جهت اطمینان از اعتبار تحلیل‌ها، از روش بررسی مشارکت‌کنندگان (Member Check) و بازبینی توسط همکاران متخصص (Peer Review) استفاده گردید.

یافته‌ها

مقولهٔ اصلی اول: زیرساخت‌های نهادی مدرسه

زیرمقوله ۱: رهبری مشارکت‌محور

مفهوم رهبری مشارکت‌محور یکی از پایه‌های اساسی برای نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی در مدارس است. مدیران مدارس با نگرش تعاملی و رویکرد تسهیل‌گری می‌توانند زمینه‌های مشارکت را در میان دانش‌آموزان، اولیا و معلمان ایجاد کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «مدیر مدرسه اگر فقط ناظر باشد و خودش اهل تعامل نباشد، دیگه کسی دنبال مشارکت نمی‌ره. ریشه مشارکت، توی عملکرد خود مدیره.»

زیرمقوله ۲: ساختار شفاف تصمیم‌گیری

وجود ساختار تصمیم‌گیری شفاف و مشارکت‌پذیر، به تقویت احساس تعلق ذی‌نفعان و در نتیجه مشارکت فعال آنان کمک می‌کند. مدارس باید مکانیزم‌هایی برای دعوت از والدین، دانش‌آموزان و معلمان برای مشارکت در تصمیمات کلیدی داشته باشند. در این زمینه، یکی از معلمان گفت:

«ما هیچ‌وقت نمی‌فهمیم تصمیمات مهم کجا گرفته می‌شه. اگر جلسات باز باشه و ما رو هم دعوت کنن، قطعاً بیشتر همکاری می‌کنیم.»
زیرمقوله ۳: توزیع اختیارات

توزیع متوازن اختیارات بین کارکنان، معلمان و انجمن اولیا و مربیان از دیگر عوامل تسهیل‌کننده مشارکت اجتماعی است. یکی از مدیران اظهار داشت:

«تا وقتی همه‌چی دست یه نفر باشه، بقیه فقط تماشا می‌کنن. وقتی احساس کنن تصمیم‌گیر هستن، خودشون هم وارد می‌شن.»
مقوله ۱: اصل دوم: سرمایه اجتماعی مدرسه
زیرمقوله ۱: اعتماد متقابل بین ذی‌نفعان

اعتماد به عنوان بستر تعاملات انسانی، نقش کلیدی در ایجاد فضای مشارکتی ایفا می‌کند. زمانی که بین اولیا، دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه اعتماد وجود داشته باشد، مشارکت به‌طور طبیعی شکل می‌گیرد. یکی از والدین عنوان کرد:

«من وقتی دیدم مدیر به نظر من احترام گذاشت و واقعاً پیگیری کرد، دلم خواست بیشتر وقت بذارم برای مدرسه.»
زیرمقوله ۲: انسجام فرهنگی و هویتی مدرسه

احساس تعلق و وحدت فرهنگی در مدرسه، زمینه‌ساز مشارکت گسترده‌تر است. اگر دانش‌آموزان و اولیا خود را جزئی از فضای مدرسه بدانند، در امور مختلف مشارکت می‌کنند. یک مشاور مدرسه اظهار داشت:

«دانش‌آموزی که حس کنه اینجا خونه دومشه، برای محیطش تلاش می‌کنه، حتی شده یه گل بیاره یا دیوارو نقاشی کنه.»
زیرمقوله ۳: شبکه‌های ارتباطی اثربخش

وجود کانال‌های ارتباطی رسمی و غیررسمی میان ذی‌نفعان، مشارکت را روان‌تر و هدفمندتر می‌سازد. یکی از معلمان گفت:

«ما یه گروه تو واتساپ داریم که اونجا ایده‌هامون رو می‌گیم. خیلی وقت‌ها از دل همین گفتگوها کارهای خوبی درمیاد.»
مقوله ۱: اصل سوم: فرهنگ مشارکت در مدرسه

زیرمقوله ۱: تربیت مشارکت‌پذیر از دوران ابتدایی

نهادینه‌سازی مشارکت باید از دوره‌های آغازین تحصیل شروع شود تا درونی‌سازی شود. یکی از مربیان پایه اول ابتدایی گفت:

«بچه‌ها از همون اول باید یاد بگیرن نظر بدن، رأی بدن، گروهی کار کنن. اینا همش تمرین مشارکته.»

زیرمقوله ۲: ارزش‌گذاری به مشارکت در نظام ارزشی مدرسه

مشارکت باید در نظام پاداش‌دهی و ارزشی مدرسه جایگاه داشته باشد. در غیر این صورت، رفتارهای مشارکتی نهادینه نمی‌شوند. یکی از مدیران اشاره کرد:

«ما برای انضباط و نمره جایزه می‌دیم، ولی کسی که توی کارهای مدرسه کمک می‌کنه، اصلاً دیده نمی‌شه.»

زیرمقوله ۳: الگوسازی از رفتار مشارکتی

مدیران و معلمان باید خود الگوهای مشارکتی باشند تا این الگو به دانش‌آموزان منتقل شود. یکی از معلمان اظهار داشت:

«وقتی بچه‌ها می‌بینن ما هم توی تصمیم‌ها مشارکت می‌کنیم یا با همفکری کار می‌کنیم، ناخودآگاه خودشون هم اون رو تکرار می‌کنن.»

یافته‌های پژوهش حاضر که با رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد، به شناسایی و تبیین سه مقوله اصلی شامل زیرساخت‌های نهادی مدرسه، سرمایه اجتماعی مدرسه و فرهنگ مشارکت در مدرسه به‌عنوان عوامل کلیدی در نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی در مدارس انجامید. هر یک از این مقوله‌ها مشتمل بر زیرمقوله‌هایی بودند که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتارهای مشارکتی و استمرار آن‌ها در سطح مدرسه داشتند.

در حوزه زیرساخت‌های نهادی مدرسه، یافته‌ها نشان داد که «رهبری مشارکت‌محور» یکی از بنیادی‌ترین عناصر برای شکل‌گیری مشارکت اجتماعی در مدرسه است. رهبران آموزشی که از سبک‌های تعاملی، مشورتی و انگیزشی بهره می‌برند، زمینه‌ساز ایجاد مشارکت فعال معلمان، والدین و دانش‌آموزان هستند. این یافته با نتایج پژوهش Auerbach (۲۰۰۹) هم‌راستا است که نشان می‌دهد سبک رهبری مشورتی می‌تواند به ایجاد پیوندهای مشارکتی قوی در میان ذی‌نفعان مدرسه منجر شود. همچنین ساختار شفاف تصمیم‌گیری و توزیع اختیارات از دیگر عوامل مهمی بودند که به مشارکت پایدار کمک می‌کنند. در پژوهش Bryk et al. (۲۰۱۰) نیز تأکید شده است که شفافیت ساختاری و امکان دخالت واقعی افراد در تصمیم‌گیری‌های مدرسه، از پیش‌نیازهای مشارکت نهادی شده به شمار می‌رود.

در مقوله سرمایه اجتماعی مدرسه، مؤلفه‌هایی همچون اعتماد متقابل، انسجام هویتی و شبکه‌های ارتباطی مؤثر، نقش پررنگی در ارتقای مشارکت داشتند. ایجاد حس اعتماد بین والدین، معلمان و مدیریت مدرسه باعث افزایش رغبت به همکاری و تعامل می‌شود. این نتیجه با نظریه سرمایه اجتماعی Coleman (۱۹۸۸) مطابقت دارد که اعتماد و هنجارهای متقابل را به‌عنوان بنیان‌های سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. همچنین، انسجام فرهنگی و احساسی که دانش‌آموزان نسبت به مدرسه خود تجربه می‌کنند، باعث می‌شود مشارکت برای آن‌ها به یک امر ارزشمند و طبیعی تبدیل شود. شبکه‌های ارتباطی نیز به‌عنوان عامل تسهیل‌گر در جریان‌سازی افکار، اطلاع‌رسانی و هم‌افزایی میان افراد ایفای نقش می‌کنند؛ یافته‌ای که در پژوهش Henderson & Mapp (۲۰۰۲) نیز تأیید شده است.

سومین مقوله یعنی فرهنگ مشارکت در مدرسه به نقش تربیتی و ارزشی نهاد مشارکت اشاره دارد. تربیت مشارکت‌پذیر از دوره ابتدایی، الگوسازی رفتاری توسط معلمان و مدیران و نیز گنجاندن مشارکت در نظام ارزشی و پاداش‌دهی مدرسه، به‌عنوان عوامل اساسی در نهادینه‌سازی مشارکت شناسایی شد. یافته‌های این بخش با مطالعات Epstein (۲۰۱۱) همسو است که نشان می‌دهد مشارکت مؤثر نیازمند آموزش مستمر، تجربه عملی و تقویت مستمر از طریق نظام‌های تشویقی و شناختی است. در پژوهش داخلی شفيعی (۱۴۰۰) نیز اشاره شده که مشارکت اجتماعی زمانی پایدار می‌شود که به‌عنوان یک ارزش در نظام تربیتی مدرسه به رسمیت شناخته شود و از طریق کنش‌های تکرارشونده درونی‌سازی گردد.

بر اساس مصاحبه‌ها، بسیاری از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که آموزش مشارکت و نهادینه‌سازی آن نباید صرفاً به والدین یا معلمان محدود شود بلکه باید به‌صورت یک الگوی فرهنگی در کل فضای مدرسه شکل گیرد. مشارکت وقتی مؤثر و ماندگار می‌شود که در قالب «یادگیری اجتماعی» بروز یافته و همگان نقش خود را در آن درک کنند. این موضوع در نظریه یادگیری اجتماعی Bandura نیز مطرح شده است؛ جایی که رفتارهای یادگرفته‌شده در بستر تعامل و مشاهده شکل می‌گیرند و از طریق تکرار به‌صورت پایدار درمی‌آیند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان داد که نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی در مدارس یک فرآیند بین‌رشته‌ای، چندسطحی و درهم‌تنیده است که مستلزم هماهنگی میان ابعاد نهادی، اجتماعی و فرهنگی است. مدارس برای دستیابی به مشارکت پایدار نیازمند رهبران مشارکت‌محور، سازوکارهای ساختاری شفاف، فرهنگ‌سازی مداوم، و شبکه‌های اجتماعی قوی هستند. این نگاه چندبعدی، در ادبیات معاصر مشارکت اجتماعی نیز تأکید شده است و بر تعامل میان ساختار و کنش اجتماعی تأکید دارد (Putnam, 2000; Zimmerman, 2000).

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Auerbach, S. (2009). Walking the walk: Portraits in leadership for family engagement in urban schools. *The School Community Journal*, 19(1), 9–31.
- Bryk, A. S., Sebring, P. B., Allensworth, E., Luppescu, S., & Easton, J. Q. (2010). *Organizing schools for improvement: Lessons from Chicago*. University of Chicago Press.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95–S120.
- Epstein, J. L. (2011). *School, family, and community partnerships: Preparing educators and improving schools*. Routledge.
- Henderson, A. T., & Mapp, K. L. (2002). *A new wave of evidence: The impact of school, family, and community connections on student achievement*. Southwest Educational Development Laboratory.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and Schuster.
- Zimmerman, M. A. (2000). Empowerment theory: Psychological, organizational and community levels of analysis. In Rappaport, J. & Seidman, E. (Eds.), *Handbook of Community Psychology* (pp. 43–63). Springer.